

## فقدان تحقیقات بنیادین در خوشنویسی ایران

### گفتگو با دکتر حمیدرضا قلیچ‌خانی

شادی غفوریان\*

حمیدرضا قلیچ‌خانی متولد سال ۱۳۴۷ در تهران، در سال ۱۳۶۳ با استاد اویس وفسی آشنا شد و در سال ۱۳۶۸ دوره فوق ممتاز نستعلیق و ثلث را نزد استادان غلامحسین امیرخانی و سید محمد حسینی موحّد به پایان برد. وی فارغ التحصیل دکترای تخصصی در «مطالعه نسخه‌پردازی و کتاب آرایی» از دانشگاه دهلی است. قلیچ‌خانی در دهه اخیر مدیر، مشاور و داور بسیاری از کنگره‌های بین‌المللی، پروژه‌ها و طرح‌های کلان خوشنویسی بوده است. او نخستین خوشنویس ایرانی عضو انجمن نسخه‌های خطی اسلامی انگلستان است و چندین کتابش در خارج از ایران انتشار یافته است. انتشارات بریل، معتبرترین ناشر آثار خاورمیانه، به تازگی ترجمه انگلیسی «فرهنگ اصطلاحات خوشنویسی» وی را منتشر کرده است. قلیچ‌خانی در سال گذشته برای تدریس و برگزاری نمایشگاه به دانشگاه کمبریج دعوت شد. او همچنین سخنرانی‌ها و کارگاه‌های گوناگونی را در دانشگاه‌های آمریکا از جمله: هاروارد، کارولینای شمالی، شیکاگو، جورج واشنگتن و پرتلند برگزار کرده است. گفتگوی حاضر به بهانه سخنرانی ایشان در نشست پژوهشی مؤسسه آفرینش‌های هنری درباب پژوهش در خوشنویسی ایران (معرفی و بررسی منابع تاریخی، متون و مستندات خوشنویسی از آغاز تا امروز) صورت گرفته است.



\* کارشناس ارشد مطالعات ترجمه دانشگاه شهید بهشتی تهران  
Shgh1983@yahoo.com

## تحقیقات معاصر خوشنویسی ایرانی را از آغاز تاکنون چگونه ارزیابی می‌کنید؟

دو گروه پژوهش در رابطه با خوشنویسی ایرانی صورت گرفته است. یک دسته به شکل تحقیقات و با تألیفات سنتی و کلاسیک هستند که با نوشتن تذکره‌ها، متون کهن و رسالات آموزشی و این‌گونه کارها انجام شده است؛ خوشبختانه درباره خوشنویسی، بعد از ادبیات می‌توان گفت بخت‌یارترین هنر در مقایسه با هنرهای دیگر از جمله معماری، موسیقی و یا نگارگری بوده است. متون و مستندات بسیاری از سده چهارم و پنجم درباره خوشنویسی داریم؛ کتاب‌هایی همچون «قابوس‌نامه» که باب سی و نهم آن مربوط به کتابت و دبیری است و همین‌طور کتاب «چهار مقاله» نظامی عروضی که یکی از چهار صنف کلیدی دوره خویش را کاتب و دبیر معرفی کرده است.

علاوه بر این‌ها کتاب‌های مستقلی نیز داریم از جمله «آیین دبیری» از عبدالخالق میهنی، «دستورالکاتب فی تعیین المراتب» از شمس منشی و کتاب «تحفه المحبین» در آداب معنوی خوشنویسی که به سال ۸۵۸ ق. در بیدر هندوستان تألیف شده است؛ همه اینها دال بر این است که چون در گذشته باسواد بودن، نخستین شرط کاتب شدن بوده و خوشنویسان جزو باسوادترین هنرمندان به شمار می‌رفتند، دسترسی خوشنویسان به منابع مکتوب زیاد بوده و بسیاری از آنان، دیوان شعر دارند و دارای تحصیلات در ادبیات فارسی و عربی بودند و به این جهت توانستند نوشته‌ها و رساله‌های فراوانی از خود به یادگار بگذارند که در آنها از تاریخ خط، هنرمندان، اصول و قواعد خط، تکنیک‌ها، ابزار آلات، مرگب‌سازی، آماده سازی کاغذ و آهار بهره کردن مطالبی آمده است.

همه این‌ها نشان می‌دهد که پیشینه نظری خوشنویسی از نظر منابع پژوهشی بسیار غنی و درخور توجه است و در دوره معاصر تقریباً از ۵۰ سال پیش در برخی زمینه‌ها پژوهش‌های بنیادین و خوبی منتشر شده است؛ یکی از قابل توجه‌ترین اثر در زمینه شرح احوال و آثار هنرمندان، کاری است که در چهار جلد از دکتر مهدی بیانی تحت عنوان «احوال و آثار خوشنویسان» منتشر شده است. چون بخش نستعلیق‌نویسان آن مجموعه در زمان حیات ایشان منتشر شد، این بخش از همه کامل‌تر است؛ اما بخش‌های دیگر پس از درگذشت ایشان به سال ۱۳۴۶ ش. منتشر شد و دارای افتادگی و کاستی‌هایی است که باید در آینده برطرف شود. می‌توان گفت این کتاب بهترین و دقیق‌ترین اثری است که توسط یک استاد و پژوهشگر معاصر که

مسلط به خطوط بود و خود مدتی رییس کتابخانه کاخ گلستان (سلطنتی سابق) و کتابخانه ملی ایران بوده و دسترسی به نسخه‌های خطی بسیاری داشته، گردآوری و منتشر شده است.

پژوهش دیگر، کتاب «اطلس خط» از استاد حبیب‌الله فضائلی است که در بخش تاریخ خط، کتابی فوق‌العاده و مرجعی بی‌نظیر است.

در زمینه‌های دیگر از جمله آموزش و تعلیم خوشنویسی، کتاب‌های بیشتری منتشر شده است. رسم‌الخط‌های گوناگونی به ویژه بعد از انقلاب و درباره موضوعات خاص مثل کشیده‌نویسی، ترکیب و کرسی منتشر و مقالات و کتاب‌هایی نیز تألیف و تدوین شده است. در کتاب ارزشمندی که در اوایل دهه ۷۰ با عنوان «کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی» از استاد نجیب مایل هروی نشر یافته و همزمان با آن در کتابی که با عنوان «رسالاتی در خوشنویسی و هنرهای وابسته» منتشر کرده‌ام، تلاش کردیم تا کلیه رسالات آموزشی و متونی که به زبان فارسی در حوزه خوشنویسی و هنرهای مربوط به آن از جمله کاغذ و مرگب و رنگ و ابزارآلات و حتی صحافی و جز اینهاست، تصحیح و منتشر شود تا در سال‌های بعد، به عنوان منبع دست اول برای بسیاری از تحقیقات دیگر مورد استفاده قرار بگیرد.

سال ۷۳ کتابی منتشر کردم با عنوان «فرهنگ واژگان و اصطلاحات خوشنویسی و هنرهای وابسته»؛ این اثر برای خوشنویسان و دانشجویان هنر مورد نیاز و ضروری بود و برای نخستین بار بود که اصطلاحات این هنر گردآوری می‌شد. در آن زمان خبر نداشتم اما بعد مطلع شدم که این کتاب اولین فرهنگ خوشنویسی در جهان اسلام است؛ یعنی به زبان‌های دیگر مثل انگلیسی، عربی، اردو و ترکی هم چنین کتابی نداشتم و بعد از آن بود که کتاب‌هایی به زبان‌های عربی و ترکی منتشر شد. خوشبختانه ترجمه انگلیسی این کتاب را انتشارات بریل (Brill) در لیدن هلند در سال جاری منتشر کرده است؛ از من خواسته شد تا کتاب را بنا به مخاطب غیر ایرانی، ویرایش کنم و با افزایش و کاهش تصاویر، در پروسه‌ای چند ساله توسط خانم ربکا استینگل ترجمه شد.

مجموعاً می‌شود ارزیابی کرد که در ۵۰ سال گذشته پژوهش‌های خوبی در زمینه خوشنویسی صورت گرفته است؛ اما از آنجایی که آموزش خوشنویسی به نهادی به نام «انجمن خوشنویسان ایران» سپرده شده و بیشتر فعالیت‌های خوشنویسی در آنجا متمرکز بوده و این هنر

آن زمان چاپ نشده بود. حتی در وب سایت «شاهنامه کالکشن» در کمبریج که به همت پروفیسور چارلز ملویل راه اندازی شده است، اساس کار بر تصاویر شاهنامه و شاهنامه‌های مصور بود و شاهنامه‌هایی که تصویر نداشتند را لحاظ نمی‌کردند؛ در سال ۹۲ که پروفیسور ملویل از من خواستند تا سایتشان را ویرایش علمی کنم، پیشنهاد دادم تا صفحهٔ انجامهٔ هر نسخه را به عنوان نمونه و شناسنامه بیاورند، چراکه هنگام تهیهٔ تصاویر نسخه‌ها، از گرفتن تصویر صفحهٔ آغاز و انجامهٔ نسخه غفلت کرده بودند. این مثال‌ها تأیید می‌کند که هنرشناسان دیگر کشورها توجهشان غالباً به نقاشی و آرایه‌های نسخه‌های ایرانی است و ازین رو در بیشتر تحقیقات غربی جای کتابت و خوشنویسی خالی است. با این حال آثاری به زبان انگلیسی و زبان‌های دیگر منتشر شده است که قابل توجه‌اند. برخی از آنها به فارسی ترجمه شده‌اند همچون کتاب «خوشنویسی و فرهنگ اسلامی» از خانم آن ماری شیمل یا آقای فرانسیس ریشارد -که مدیر بخش فارسی کتابخانهٔ ملی فرانسه بود و بخش اسلامی موزهٔ لوور را به دستور ژاک شیراک طراحی و راه اندازی کرد- جلوه‌های هنر پارسی را در کتابخانهٔ ملی پاریس معرفی کرد که در سال ۸۳ به فارسی ترجمه شد و اثر قابل توجهی است. همین‌طور برخی از مستشرقان، مثل خانم شیلا بلر و همسرشان جانان بلوم که هنوز آثارشان به فارسی ترجمه نشده است. همین‌طور آقای فرانسوا دروش که روی قرآن‌های سده‌های نخستین دورهٔ اسلامی کار کرده است.

پروژه‌ای که می‌تواند شایسته باشد این است که در وهلهٔ اول آثاری که ایران‌شناسان در باب خوشنویسی ایران کار کرده‌اند شناسایی و در گام بعدی ترجمه بشود و ما از کارهای انجام شده و داشته‌ها باخبر شویم؛ هرچند که شاید سزاوار این هنر گرانقدر نباشند اما با وجود این، به عقیده بنده همین تحقیقات پراکنده مثل مقالاتی که از پژوهشگر ژاپنی آقای یوشیفوساسکی منتشر شده گرچه اندکند اما عمق بسیار زیادی دارند؛ ایشان چند تحقیق دربارهٔ خوشنویسان و صحافی مرقعات ایران در موزهٔ توپقاپی انجام دادند که در دورهٔ اول مجلهٔ «نامهٔ بهارستان» منتشر شده است و نشان می‌دهد که این مرقعات گنجینه‌ای بی‌نظیر از فرهنگ و هنر ایرانی است و بسیاری از اینها برای خوشنویسان و هنرمندان معاصر ناشناخته است، زیرا بسیاری از هنرمندان به سبب جدائیت‌های بصری، از مباحث نظری آن هنر غافل و فارغ هستند.

در دهه‌های گذشته از دانشگاه دور مانده است، می‌توان گفت با توجه به تاریخ هزار سالهٔ این هنر، باید کارهای شایسته‌تری انجام می‌گرفت. اگر خوشنویسی را با هنرهای چون فرش که به شکل دانشگاهی دارای دورهٔ کارشناسی و کارشناسی ارشد است مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم در مقایسه با آنها از جهت منابع و مآخذ هنوز آن‌طور که باید منابع قابل اعتماد و متنوع نداریم و جای پژوهش‌های بنیادی بسیاری در خوشنویسی ایران خالی است.

### آثار منتشر شدهٔ محققان خارجی و تحقیقات اخیر آنها

در ارتباط با خوشنویسی ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ دربارهٔ خوشنویسی ایران خوشبختانه و از منظری متأسفانه کارهای جامع، کافی و وافی توسط ایران‌شناسان صورت نگرفته است. متأسفانه از این جهت که در معماری و نگارگری و برخی هنرها کارهای مفصلی انجام داده‌اند و با انتشار آن تحقیق‌ها کار برخی پژوهشگران داخلی آسان شده است؛ خوشبختانه از منظری دیگر و آن این که این عرصه بکر و دست نخورده باقی مانده است. برای مثال در نگارگری چون برای ما دیکته کرده‌اند که این مکتب هرات، تبریز و اصفهان است دیگر نمی‌توانیم از تقسیم بندی‌های مستشرقان پا را فراتر بگذاریم و خودمان این مکاتب را دسته‌بندی و تحلیل کنیم؛ اما خوشبختانه در خوشنویسی چون این اتفاق نیفتاده، این امکان وجود دارد که این‌گونه پژوهش‌های بنیادی و دسته‌بندی‌های اساسی از طریق استادان بومی و متخصص صورت بگیرد. در مجموع دربارهٔ خوشنویسی، مستشرقان در مقایسه با هنرهای دیگر از جمله معماری و موسیقی و نسخ خطی کار قابل توجهی انجام نداده‌اند و یکی از دلایل آن طبیعتاً خواندن و درک زیبایی‌شناسی خوشنویسی بوده است. ازین رو اکثر مستشرقان هنگامی از خوشنویسی صحبت می‌کنند که کتیبه‌ای را در بنایی می‌بینند و آن را بخشی از تزیینات بنا به شمار آورده و گزارش می‌کنند؛ یا این که در نسخه‌های خطی نفیس، پس از آن که به نگارگری و تزیینات و آرایه‌های یک نسخه پرداختند، خط را هم به صورت ضمنی و به کوتاهی معرفی کرده‌اند. با این حال در بسیاری از تحقیقات معاصر مثل معرفی‌ای که از شاهنامهٔ جوکی به صورت کتاب مستقل چاپ شده حتی در یک صفحه هم به کاتب آن نسخه و یا به سبک خوشنویسی پرداخته نشده است. مقالهٔ من با عنوان «کاتبان شاهنامه» که در سال ۸۹ در مجلهٔ آینهٔ میراث منتشر شد، نشانگر آن است که هیچ مقاله‌ای دربارهٔ کاتبان این اثر سترگ تا



دارد و یا چند قطعه از او باقی مانده است؛ چون طبیعتاً در خوشنویسی هم مثل دیگر هنرها کیفیت و عیار است که سبب ماندگاری و گاهی جریان‌سازی در تاریخ آن شده و به این جهت به این‌گونه موضوعات چنان که شایسته و بایسته است، نپرداخته‌ایم.

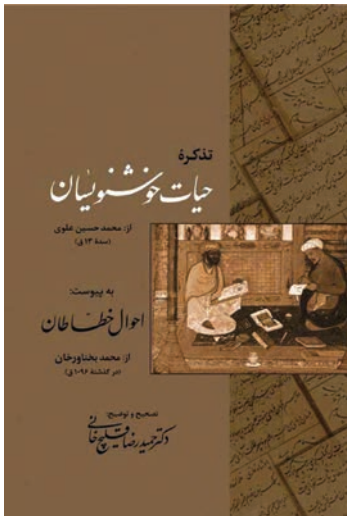
موضوع دیگری که می‌شود در پایان همین بخش به عنوان پیشنهاد یا مباحثی که باید به آنها پرداخته شود اشاره کرد این است که در دوره معاصر هر یک از فرهنگ‌ها و تمدن‌ها آمدند سهم خودشان را از هنرها و دیگر بخش‌ها گرفته‌اند. با این تقسیمات جغرافیایی طبیعتاً از پاکستان، تاجیکستان، افغانستان، پاکستان و بقیه در حال مشخص کردن سهم خود در هنرهای اسلامی‌اند. برخلاف حرکت به سوی دهکده جهانی، ملی‌گرایی و میهن‌پرستی به شدت در حال گسترش است و به این جهت ضرورت دارد تا ما در بخش‌هایی که عنوان «ایرانی» را به چیزی می‌افزاییم، مثل ثلث ایرانی، نسخ ایرانی و مدعی هستیم که این ثلث با ثلث ترکی متفاوت است و یا این نسخ با نسخ عربی متفاوت است، باید دست به تحقیقات بنیادین بزنیم. متأسفانه تا این لحظه ما کتابی تحت عنوان کوفی ایرانی، ثلث ایرانی و نسخ ایرانی نداریم تا به دیگران معرفی کند که این مکتب در چه دوره‌ای شکل گرفته و یا ثلث ایرانی دقیقاً چه ثلثی است و چه ویژگی‌هایی دارد. خوب این موضوع برای خوشنویسانی که کارها را مقایسه می‌کنند، تا اندازه‌ای روشن و قابل تشخیص است اما برای همگان آشکار و مبرهن نیست؛ این هم از ضرورت‌ها و بایسته‌های پژوهش در حال حاضر است که ما پس از شناخت هنرهایمان، از بخش‌هایی که مختص فرهنگ ایران است، دفاع کنیم؛ از سبک‌های ایرانی کوفی گرفته تا ثلث، نسخ، شکسته برای تمامی آنها تعاریفات جامع و کلیدی داشته باشیم و بتوانیم سهم خودمان را در جهان هنرها روشن و شفاف کنیم.

**کدام یک از ضرورت‌های تحقیق در خوشنویسی اسلامی را در مورد آثار موجود در مجموعه آستان قدس رضوی قابل تعمیم می‌دانید؟**

مجموعه آستان قدس مجموعه‌ای بسیار بزرگ، کلان و ارزشمند است و اولین ضعفی که برای پژوهشگران در مواجهه با این مجموعه پیدا می‌شود این است که از چند و چون و کم و کیف آثار موجود در آن آگاه نیستند و آستان قدس در دهه‌های گذشته می‌بایست تلاش‌های بیشتری در زمینه بروز شده انجام می‌داد. به نظر من نخستین کار باید

برای جمع‌بندی دو سؤال قبلی، به نظرتان چه وجوهی از مطالعات خوشنویسی ایران مورد بی‌مهری قرار گرفته است و در حال حاضر چه بخشی از خوشنویسی برای مطالعه اهمیت و ضرورت بیشتری دارد؟

به نظرم تحقیقات بنیادین که گردآوری متون و رسالات و یافتن شرح احوال و آثار هنرمندان است تا اندازه‌ای سر و سامان پیدا کرده، هرچند می‌توانیم برای شرح احوال هنرمندان، دانشنامه‌های مفصل‌تری با توجه به منابع و مآخذ امروز فراهم کنیم و همان‌طور که پیش‌تر عرض کردم بهترین منبع، کتابی است که دکتر مهدی بیانی منتشر کرده است. امروزه این آثار نیاز به بازبینی و تکمیل دارند اما به هر حال در این زمینه منابعی داریم که قابل توجه هستند. بخشی که امروزه مورد استفاده خوشنویسان و دانشجویان زیرگروه‌های گوناگون هنرهای تجسمی و نهادهای پژوهشی می‌تواند باشد و تقریباً مغفول واقع شده است شناسایی ارکان، اصول و زیبایی‌شناسی خوشنویسی و همچنین تقسیم‌بندی سبک‌ها و مکاتب است؛ چیزی که ما بتوانیم برای غیرایرانی‌ها هم توضیح دهیم که چرا این سیاه مشق دارای ابعاد هنری است. طبیعتاً نگارگری و دیگر هنرهای ما مشابهت بیشتری با هنرهای غربی دارد و ازین‌رو آنها توانستند مبانی آنها را استخراج کنند؛ اما در خوشنویسی هنوز ما کتاب و منابع لازم را نداریم؛ مثلاً مبانی بصری سیاه مشق چیست و یا مبانی زیبایی‌شناسی کتیبه‌نگاری چیست یا اینکه چرا مثلاً کتیبه مسجده گهرشاد درجه یک است اما کتیبه‌های شبیه به آن و با همان تاریخ متوسط؟ هرچند که آن کتیبه را بایسنغر ننوشته باشد. مباحثی از این دست که به اصول زیباشناسی آثار و تجزیه و تحلیل آثار مربوط می‌شود و سبب می‌شود که ما قطعه‌ای را موزه‌ای تصور کنیم و میلیون‌ها تومان ارزش داشته باشد اما کاری شبیه به آن موزه‌ای نباشد و بسیار کم‌اهمیت باشد. در این زمینه‌ها به نظر من کار بسیار اندکی صورت گرفته و اطلاعات افراد به صورت تجربی در ذهنشان انباشته است. اینها باید مکتوب شود و به نقد و نظر گذاشته شود و در مجموعه‌های متنوعی منتشر شود تا غیر اهل هنر و یا علاقه‌مندان دیگر هنرها هم که بخواهند خوشنویسی را ارزیابی کنند بتوانند با این معیارها و متری که به دست می‌آید، اثری را بسنجند و بتوانند ارزش و عیار کارهای خوب و بد را مقایسه کنند؛ چون همان‌طور که می‌دانید در کار هنر، عیار تعیین‌کننده است، کیفیت و نه کمیت. گاهی کاتبی داشتیم که ۱۳۰ قرآن کریم را کتابت کرده و در تاریخ هنر در جایگاه هنرمندی است که صرفاً یک مرقع



بیشتر صفحات این قرآن از بین رفته و صفحات محدودی از آن باقی مانده است که همراه با ترجمه و تفسیر به زبان فارسی است. این مورد هم با تاریخ ۴۸۴ ق. از موارد بسیار شگفت انگیز بوده که نمونه‌هایش بسیار نادر است؛ خط کوفی و زبان فارسی. برای هر پژوهشگری طبیعی است این سؤال پیش آید که چرا بخش ناقصی از یک اثر که در موزه تویقایی وجود دارد، منتشر می‌شود اما یک قرآن سی جزوی از همین هنرمند که در مجموعه آستان قدس وجود دارد، تاکنون منتشر نشده است یا در دسترس محققان گذاشته نمی‌شود؟ حتی اغلب دانشجویانی که معرفی می‌کنیم با دست‌اندازه‌های بسیاری مواجه می‌شوند. خوشبختانه در سال‌های اخیر آثار قابل توجهی از مرقعات و مجموعه‌ها چاپ شده، اما به صورت کلی با آن قابلیت کم‌نظیر که این مجموعه داشته توقع بیشتری هست. آستان قدس باید یکی از مراکز و پاتوق‌های ایران‌شناسان باشد و هر روزه دهها نفر مشغول تحقیق بر روی گنجینه‌اش باشند نه این که حتی از ورودشان ممانعت شود. در بخش‌هایی چون کتیبه‌های حرم، تا همین اواخر هیچ کار شایسته‌ای منتشر نشده بود و حتی به بسیاری از دانشجویان و پژوهشگران امکان عکاسی و تحقیق بر روی آن به سادگی داده نمی‌شد؛ اما به نظر من، نخستین کاری که آستان قدس می‌تواند انجام دهد معرفی این آثار است که سبب خوشحالی اهل تحقیق و هنر اسلامی خواهد بود. بدین ترتیب که در سمینار یا به مناسبتی، در یک اتفاق بین المللی، گروهی از ایران‌شناسان را از کشورهای مختلف دعوت کند و این مجموعه فوق‌العاده را به آنها معرفی کند و قابلیت‌ها و توانایی‌های این آرشئو بزرگ را به آنها نشان بدهد و همزمان با آن چند فهرست تخصصی و حرفه‌ای از ابعاد هنری مرقعات، نسخه‌های خطی، کتیبه‌ها و هر بخشی که به صورت وقفی در طی تاریخ به این مجموعه واگذار شده است را به زبان‌های فارسی، انگلیسی و عربی منتشر کند و با این گام، دروازه این مجموعه و آرشئو را برای پژوهش‌های بزرگ و تأثیرگذار باز کند.

#### ارزیابی شما از تحقیقات مستقلى که در مجموعه

##### آستان قدس انجام شده چیست؟

آثار تازه منتشر شده باید به شکل گسترده‌تر به دیگر شهرها هم برسد. تحقیقاتی که به ویژه در دهه اخیر انجام شده نسبت به قبل خیلی خوب و درخور توجه است؛ به ویژه در دو سه سال گذشته آثار خوبی منتشر شده است. اما اگر این معرفی‌ها و انتشارات را با آن

معرفی داشته‌های این مجموعه به استادان و پژوهشگران باشد چرا که بسیاری از پژوهشگران از داشته‌های این مجموعه بی‌خبر هستند. زمانی که کسی می‌خواهد درباره قرآن‌های دوره اموی، عباسی و یا تیموری تحقیق کند دقیقاً نمی‌داند در این باره چه آثاری در این مجموعه هست و این نیازمند اسکن و تصویربرداری و سپس آن‌لاین و در دسترس بودن تمام آثار است. باید با یک جستجوی ساده بتوان فهمید که از بابا شاه اصفهانی چه آثاری در گنجینه آستان قدس وجود دارد. نفایس بسیاری در این مجموعه وجود دارد از جمله رقع‌ای از عبدالمجید درویش که چندی پیش در مرقعی دیدم و از کارهای بسیار ناب و متفاوت است به این شکل که در یک قطعه هنرمند در چندین جا نام خود را نوشته است، خوب این‌گونه رقم زدن در کل دنیا هم چیز عجیبی است و این رقع‌ه در کنار آثار دیگری که برخی از آنها اهمیتی ندارد نگهداری می‌شود و طبیعتاً بسیاری از افراد که می‌خواهند در مورد موضوعات بدیع و ناب پژوهش کنند از وجود این آثار بی‌خبرند. بدین جهت در اولین قدم باید تمام آثار، فهرست، تصویربرداری و معرفی شوند و سپس با کمک دهها کارشناس حرفه‌ای و خبره مهر، صحافی، کاغذ و جز اینها تمامی بخش‌های به طور مثال قرآن‌ها، دواوین شعر، رسالات، کتیبه‌ها، مرقعات و تابلوها تفکیک و عیارسنجی شوند تا جامعه هنری متوجه بشود که دقیقاً چه چیزهایی در این مجموعه وجود دارد و سازمانی برای طبع و نشر آنها تشکیل شود. همچنین بخشی که پایان‌نامه‌های ارشد و دکتری را حمایت علمی کند و با بورس کردن پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌های گوناگون، جریانی سیل‌آسا از تحقیقات و معرفی این مجموعه راه‌اندازی شود. خوشبختانه یکی از بزرگ‌ترین و جامع‌ترین آرشئوهای نسخه‌های خطی قرآن که در همین مجموعه وجود دارد و در طول تاریخ گردآوری و وقف شده است، پتانسیل بسیار بالا و به ویژه مخاطبان بسیار زیادی در کل دنیا دارد؛ چون به هر حال موضوع هنر اسلامی به شکل کلان مطرح می‌شود و آستان قدس با امکانات فوق‌العاده‌ای که دارد، تلاش چندانی در معرفی این آثار نکرده است. برای مثال قرآنی وجود دارد در این مجموعه که از کارهای بی‌نظیر و در واقع از شناسنامه‌های هویتی هنر ایران است، قرآنی به خط عثمان بن حسین و راق غزنوی در سده پنجم که نشان می‌دهد ایران در سده پنجم هجری در چه موقعیتی از هنر قرار داشته است. در سال پیش کتابخانه مجلس شورای اسلامی، قرآن دیگری را از همین هنرمند که در موزه تویقایی نگهداری می‌شود، با همکاری آن موزه منتشر کرد.



از وقتی که در اختیار ما گذاشتید سپاسگزارم، حرف آخر را بفرمایید.

سپاسگزارم، از هنری با سابقه بیش از هزار سال صحبت کردیم. هنگامی که به جستجوی وجوه گوناگون خوشنویسی در اینترنت می‌پردازیم، می‌بینیم که مقالات، کتاب‌ها و پژوهش‌های جدی با عناوینی چون: «خوشنویسی ایران» یا «نسخه‌های ایرانی» یا ترجمه این عنوان Persian Calligraphy یا Persian Manuscripts یا عنوان یا عنوان: ثلث ایرانی، نسخ ایرانی بسیار اندک است و با پژوهش‌های برخی کشورها در باب هنرهای اسلامی قابل قیاس نیست. دیگر فرهنگ‌ها در دهه‌های اخیر تلاش دارند تا خودشان را اثبات کنند و سهم خود را در فرهنگ جهان مشخص کنند. در اثر اخیرم با نام «درآمدی بر خوشنویسی ایرانی» کوشیده‌ام تا این مقله را به عنوان «پدر خوشنویسی ایرانی» به شکل جدی‌تری مطرح کنم، چراکه این هنرمند بزرگ ایرانی نیز همچون بسیاری از مشاهیر ایرانی به نفع دیگر اقوام و ملل مصادره خواهد گشت و اگر هوشیارتر عمل نکنیم، بسیاری از ارزش‌های خوشنویسی که مدیون نبوغ هنرمندان ایرانی بوده را از دست خواهیم داد.

با پتانسیل بسیار زیادی که از آثار و مواد مختلف موجود در موزه و کتابخانه آستان قدس داریم و به همین‌سان، نسل جوانی که علاقه‌مند، تحصیل کرده و دانشگاهی هستند می‌بایست از این منابع بهره‌مند شویم و زحمات پیشینیان و حق آنها را در بخش هنر اسلامی-ایرانی مشخص کرده و به دیگران معرفی کنیم و بگوییم که ایرانیان در هزار سال چه سهمی در جریان‌سازی خوشنویسی داشته‌اند و چه کرده‌اند.

پس از شناسایی و معرفی دقیق میراث کهن نیاکانمان، نوبت به این می‌رسد که این داشته‌های سرشار را با زندگی و جامعه امروزی تطبیق دهیم و راهی برای بهره‌مندی از آنها در دنیای مدرن کنونی بیابیم و برای پیشینیان هنرمندان، میراث‌داران و رهروانی شایسته باشیم.

داشته‌ها و کیفیت و پتانسیلی که وجود دارد مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم که از کوهی از نسخ و آثار هنری که هست، توانسته‌اید نمونه‌های بسیار اندکی را معرفی و منتشر کنید. به همین جهت تمام پژوهشگران و خصوصاً جامعه دانشگاهی توقع دارند که با توجه به برخورداری از امکان فنی نشر و چاپ، بیش از پیش بتوانید این آثار ارزشمند را منتشر کنید و طبیعتاً گام اول برای این مهم، جلب توجه محققان کارآموده و درجه یک است و نباید به واحد پژوهش خود آستان قدس بسنده کرد. برای مثال اگر مجموعه‌ای از مهرها و نقش مهرها هست، در این زمینه سه چهار استاد حرفه‌ای که در مهرشناسی صاحب نظر هستند و می‌توانند آنها را دسته بندی کنند، باید به همکاری دعوت شوند.

به نظر من زمانی که مجموعه‌ای درجه یک و بی‌مانند داریم، شایسته است که معرفی و انتشار آثارش هم توسط استادان درجه یک صورت گیرد؛ مثلاً اگر کسی در بخش خطی فهرست‌نویس بوده است، لزوماً شاید نتواند معرف این مجموعه سترگ و ارزشمند باشد. از آنجا که این آثار بخشی از میراث جهان اسلام است، به نظر بنده شایسته است که دست کم همزمان به زبان‌های عربی و انگلیسی هم ترجمه شوند.

**به نظر تان خود مجموعه و متعلقاتی که دارد می‌تواند در شکوفایی هنری مثل هنرهای سنتی، خصوصاً هنر خوشنویسی مؤثر باشد؟**

بی‌شک می‌تواند و تاکنون هم بوده است. این مجموعه از نسخه‌های کوفی تا تابلوها و کتیبه‌هایی که در معرض دید است و بخشی که در مخزن است، مجموعه‌ای سرشار از هنر خوشنویسی و هنرهای وابسته به آن است. تمام اهل تحقیق به این مجموعه بزرگ مراجعه می‌کردند اما به هر حال مناسب و شایسته است که بیش از پیش این مجموعه با رویی گشاده‌تر پذیرای اهل فن و مراجعه‌کنندگان باشد. بسیاری از استادان و خوشنویسان از خدمات این مجموعه در دهه‌های گذشته رضایت ندارند. دیدن یک مرقع یا نسخه خطی و یا داشتن تصویرشان نباید با این اندازه دست‌انداز همراه باشد. اگر آستان قدس بتواند برای خوشنویسان، دانشجویان و پژوهشگران با سابقه نسبت به مراجعه‌کنندگان عمومی، تسهیلات و حمایت‌های بیشتری را فراهم آورد، آثار این مجموعه بیش از آنچه که تا کنون معرفی شده‌اند و حقیقتاً است می‌توانند در سال‌های آتی مورد توجه و پژوهش قرار بگیرند.

